

منابع تفسیری اهل سنت

از آنجا که اهل سنت پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) به امامت ائمه معصومین (ع) یعنی شارحان بدون خطای اسلام و قرآن، اعتقاد نداشتند و به پیروی از خلیفه دوم می گفتند: «حسبنا کتاب الله»؛ «کتاب خدا ما را کفایت می کند» به ناچار در تفسیر قرآن به طور ناقص به منابع زیر رجوع کردند که هیچ یک به تنهایی برای فهم معارف و معانی بلند قرآن کافی نبود.

۱- قرآن کریم

تفسیر قرآن به قرآن از مهم ترین روش های تفسیری است و استفاده از این روش، مستلزم اطلاع از کل قرآن است.

۲- روایات و سنت پیامبر

مقصود روایاتی است که در تفسیر قرآن وارد شده و برای تفسیر قرآن راهگشا بوده است. متأسفانه از دو طریق به روایات بی اعتنایی شده نخست آن که قرآنی را که امام علی (ع) جمع کرده بودند و جامع همه روایات تفسیری بود نپذیرفتند. دوم آن که با منع کتابت و جمع حدیث به مدت یک قرن و نیم، عمده روایات اصیل نبوی نابود و یا تحریف شد و تعداد کمی از آن روایات که مخلوط با روایات جعلی است باقی ماند. البته نهی خلیفه از کتابت و جمع حدیث، بر روی دانشمندان شیعه که از منویات امیر مؤمنان پیروی می کردند، کوچک ترین اثری نگذاشت.^۱

۳- اجتهاد شخصی

هنگامی که صحابه توضیحی از خود قرآن و یا بیانی از پیامبر (ص) نمی یافتند به جهت آن که خود، عرب بودند و زبان عربی را به تمامیت آن می دانستند، به اجتهاد شخصی متوسل می شدند، اما آنان از این نکته غافل بودند که فهم قرآن در بسیاری از موارد به مسائلی بیش از آن احتیاج دارد؛ زیرا قرآن مشتمل بر عام و خاص، مجمل و مبین، محکم و متشابه و... است، به همین دلیل استنباط مقاصد و مفاهیم قرآن از لابه لای این مشکلات احتیاج به علم ویژه ای داشت که بیشتر آنان که قرآن را از پیامبر اکرم (ص) فرا گرفته بودند بدان آشنایی کامل نداشتند.

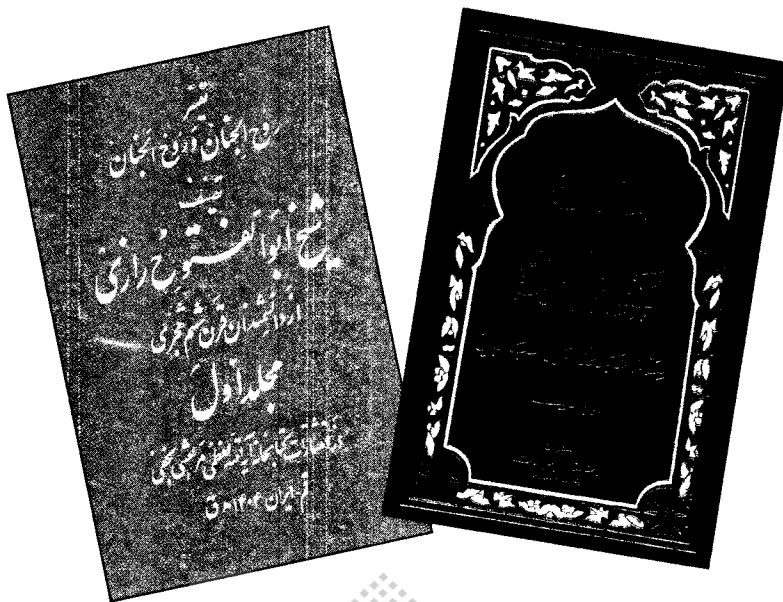
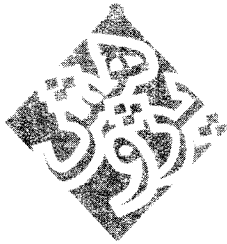
نکته قابل توجه این که اجتهاد آنان در راستای قرآن نبود و بر اساس مبانی بود که گاهی در مقابل نص قرآن

تفاوت تفاسیر شیعه و اهل سنت

O علی مؤمنی

اشاره:

مفسران شیعه و اهل سنت با استفاده از روش ها و گرایش های گوناگون به تفسیر قرآن پرداخته اند و میان تفسیر شیعه و اهل سنت، تفاوت جوهری و اساسی مشاهده نمی شود. اما آنچه تفسیر شیعه را از اهل سنت متمایز می سازد منابع تفسیری است؛ چرا که در منابع تفسیر، تفاوتی عمده میان شیعه و اهل سنت به چشم می خورد. در این نوشتار، با رعایت اختصار به بررسی منابع تفسیری اهل سنت و شیعه می پردازیم.



اصحاب را از نوشتن و نقل حدیث منع کرد و در مقابل دستور داد که اندیشمندان اهل کتاب به نام «قصاص» (قصه گو) برای آنها قصه‌های کتاب‌های تحریف شده را نقل نمایند، بدین جهت بسیاری از اصحاب جهت تکمیل معلومات خود در زمینه حوادث تاریخی در قرآن کریم، به اهل کتاب مراجعه می‌کردند و با توجه به وقوع تحریف در تورات و انجیل و پدید آمدن مطالب جعلی در اخبار یهودیان و مسیحیان، می‌توان به خطر بزرگی که از این طریق تفسیر قرآن و به تبع آن دین اسلام را تهدید می‌کرد، پی برد.^۵ مطالب تحریف شده عهدین، نسبت‌های ناروا به خدا مانند جسم بودن، دست و پا داشتن، نسبت دادن گناه به پیامبران و... در کتب تفسیری اهل سنت از جمله موضوعاتی است که دستاویزی برای دشمنان خدا نظیر سلمان رشدی شده است. درحالی که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: اهل کتاب را (در گفتارشان که نمی‌دانید حق است یا باطل) نه تصدیق کنید و نه تکذیب و بگویید: به خدای یکتا و آنچه بر ما نازل شده است، ایمان آوردیم.^۶ به منظور آگاهی بیشتر به منابع اهل سنت مراجعه نمایید.^۷

۶- اشعار و ابیات جاهلیت عرب^۸

خلیفه دوم تأکید داشت که در فهم قرآن به اشعار عرب مراجعه شود. ذهبی نقل می‌کند که خلیفه دوم می‌گفت: دیوان خود را حفظ کنید تا گمراه نشوید. (اطرافیان) گفتند: دیوان ما چیست؟ گفت: شعر جاهلیت

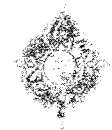
و سنت قرار داشت قیاس، استحسان و... نمونه‌هایی از اجتهاد آنهاست. این نوع اجتهاد، نفی ولایت ائمه (ع) و اکتفا به قرآن و رد قرآن امام علی (ع) را به دنبال داشت.

۴- نظریات صحابه

ابن کثیر در مقدمه تفسیر خود می‌گوید: «هرگاه تفسیر قرآن را در قرآن و سنت نیافتیم به نظریات صحابه مراجعه می‌کنیم؛ زیرا آنان از قرآینی برخوردار بوده‌اند که ما از آنها محرومیم، خصوصاً بزرگان صحابه که دارای فهم کامل و علم صحیح و عمل صالح بوده‌اند». بدیهی است شرایطی که ابن کثیر برای بزرگان صحابه ذکر کرده است (دارای فهم کامل و علم صحیح و عمل صالح) اگر در موردی از صحابه صدق نماید، نظریه آن یک نفر قابل قبول خواهد بود.^۹ البته نباید فراموش کرد که آیات زیادی از قرآن و روایات نبوی در کتب معتبر اهل سنت در رد و انحراف عده‌ای از صحابه وارد شده است و کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته شده است تا آنجا که صحابه یکدیگر را رد و تکفیر نموده و به روی همدیگر شمشیر کشیده و یکدیگر را کشتند. بنابراین علاوه بر آیات و روایات، عقل سلیم در اینجا حکم می‌کند که تمامی صحابه قابل اعتماد نبوده‌اند و کلامشان مورد قبول نبوده و نیست.

۵- اخبار اهل کتاب

از جمله حوادثی که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) پیش آمد منع کتابت و جمع‌آوری حدیث بود؛ خلیفه دوم



زیرا تفسیر کتاب شما و معانی گفتارتان در آن موجود است.^۱

منابع تفسیری شیعه

تفسیر شیعه از دو منبع اصیل قرآنی تغذیه کرده است:

- ۱- میراث غنی و معارف ارزشمند اهل بیت (ع)
- ۲- اجتهاد براساس روش‌های اتخاذ شده از ائمه معصومین (ع).

از آنجا که شیعه معتقد به عصمت امامان است آنان را از گناه و خطا مبرا می‌شمارند و مفسران شیعه هر دو منبع مذکور را نشأت گرفته از معصومین (ع) می‌دانند از این رو تفسیر شیعه در مقایسه با دیگر تفاسیر از امتیاز و خصوصیتی برتر برخوردار و متمایز است. بنابراین اقوال و آرای صحابه، تابعین و دیگر مفسران، نزد شیعه فاقد حجیت است و مفسر را از اجتهاد مستغنی نمی‌سازد؛ چنان‌که مفسر هرگز در برابر نصوص و ظواهر معتبر کلام پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) خود اجازه اجتهاد نمی‌دهد.

در مورد منبع اول، یعنی خود قرآن اختلافی بین سنی و شیعه وجود ندارد. اکثریت علمای شیعه، خود قرآن را نخستین منبع و مأخذ در تفسیر قرآن می‌دانند. زیرا تفسیر قرآن به قرآن به وسیله خود ائمه معصومین (ع) انجام گرفت و چون اعمال آنها به عنوان سنت برای ما حجیت است شیعه هم از این طریق پیروی نموده است.

درباره تفسیر شیعه و اهل سنت، واقعیتی را نمی‌توان انکار کرد و آن این‌که علمای شیعه تفسیر قرآن را با احتیاط بیشتر مورد بحث و مطالعه قرار داده‌اند. مهم‌ترین دلیل آن هم تأکید امامان معصوم (ع) مبنی بر دور ماندن آنان از ورطه‌ای بوده که بسیاری از دانشمندان اهل سنت به دلیل دور بودن از سنت قطعی بدان کشانده شدند.

ائمه (ع) پیروان خود را از بازی با قرآن و سنجش کلام خدا با معیارهای محدود عقل بشری و نسبت دادن هر سخنی به خدا تحت عنوان تفسیر قرآن بر حذر داشته‌اند. از سوی دیگر شیعه در مدت طولانی حضور ائمه (ع) به علت دسترسی به واقعیت شریعت و تفسیر حقیقی و قطعی آیات توسط آنان، خود را از اجتهاد شخصی بی‌نیاز می‌دانستند. این دو عامل و در کنار آنها

فشارهای سیاسی که آنان را به استتار و پنهان‌کاری (تقیه) وامی‌داشت، موجب شد که روند نگارش قرآن نزد شیعه به کندی انجام گرفته، سیر تحولات علم تفسیر و علوم قرآنی و طبقات مفسران به نحو دیگری شکل گیرد.

در دوران غیبت حضرت ولی عصر (عج) به دلیل نیاز ضروری به تفسیر قرآن و عدم دسترسی به امام معصوم (ع) شتاب حرکت علمی شیعه در زمینه‌های نامبرده، چشمگیر بودن و گرایش به تفسیر و علوم قرآن، شتاب بیشتر گرفت و در قرن اخیر به اوج خود رسید.^۱

معرفی منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. دکتر صبری المتولی، منهج اهل سنة فی تفسیر القرآن الکریم، قاهره، زهراء الشرق، بی‌تا.
۲. شیخ سالم الصفار، نقد منهج التفسیر والمفسرین المقارن، بیروت، دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
۳. محمدعلی رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، تهران: اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۸۷-۸۸.
۴. عباسعلی عمیدزنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ص ۵۳-۹۲.

پی‌نوشت:

- ۱- ر.ک: عباسعلی عمیدزنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهارم ۱۳۷۹، ص ۵۳ و ۵۴.
- ۲- ر.ک: جعفر سبحانی، فروغ ابديت قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۲، جلد دوم، مقدمه.
- ۳- ابن کثیر، تفسیر قرآن، جلد اول، ص ۳.
- ۴- عباسعلی عمیدزنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۵۳-۶۶.
- ۵- همان.
- ۶- بخاری، صحیح، جلد ششم، باب التفسیر، ص ۲۵.
- ۷- ر.ک: الاسرائیلیات و اثره فی التفسیر، ص ۱۲۰ - و احمد امین، فخرالاسلام، ص ۲۰۱ - و ابوری، اضاء علی السنه المحمديه، ص ۱۱۰.
- ۸- ر.ک: عباسعلی عمیدزنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۵۳-۶۶.
- ۹- دکتر ذهبی، التفسیر والمفسرون، ص ۷۴.
- ۱۰- عباسعلی عمیدزنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۸۹-۹۲ با تلخیص.